

تاریخ وصول: ۸۵/۸/۹

تاریخ تأیید: ۸۶/۹/۱۱

جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش*

فیلیپ وکسلر ** / ترجمه غلامرضا ارجمندی *** / هدیه اقتصادی ****

تخصصی رشته‌های دانشگاهی به این معناست که جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به عنوان شاخه‌ای از معرفت باید به عنوان زیر مجموعه‌ای از یک علم اجتماعی دیگر یعنی جامعه‌شناسی معرفتی دیده شود. جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش در آمریکا، فقط تا حدودی از پیشرفت‌های انگلیسی‌ها تأثیر پذیرفت. یکی از بارزترین این تأثیرات را می‌توان در کارهای مایکل اپل^۱ (۱۹۷۸، ۱۹۷۹) دید که در آنها مستقیماً با رویکردی انگلیسی سروکار دارد.

چکیده: اصطلاح جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش ابتدا در انگلستان و در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به کار رفت تا به تفاوت سبک نظریه و پژوهش مورد استفاده در این حوزه با رشته عمومی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تأکید کند. برخلاف پژوهش‌های پیشین، که به طور نظری بر ساختار و کارکرد جامعه و آموزش و پرورش تأکید داشتند (کارکردگرایی ساختاری)، و پژوهش را معادل اندازه‌گیری و تحلیل رابطه بین متغیرهایی مانند متغیرهای خصوصیات فردی می‌پنداشتند، جامعه‌شناسی نو برخاسته از انگلستان اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی بر تفهم یا تفسیر کنش‌های متقابل اجتماعی هر روزه کلاس درس و آن معنای از دانش که مدرسه بر آن تأکید دارد قرار گرفت. معنا، هم به فهم و دریافت^۱ دانش‌آموزان و معلمان درگیر در امر آموزش دلالت دارد و هم به دیدگاهی که برنامه [ریزی] درسی^۲ را بخشی از یک بافت وسیع‌تر اجتماعی یا فرهنگی قلمداد می‌کند. این مطلب به زبان

* Wexler, Philip. (2002), *Sociology and Education*, New. In David. L. Levinson & Peter. W. Cookson. *Education and Sociology: An Encyclopedia* (PP.593-597) New York: Routledge Falmer.

** عضو مدرسه عالی آموزش و پرورش و توسعه انسانی وارنر، دانشگاه روچستر.

*** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، سازمان مرکزی.

**** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور.

1. understanding

2. curriculum

3. Michael Apple

دانشگاهی و هم بستر اجتماعی وسیع‌تر فرهنگ و تاریخ.

جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش یا دانش تخصصی پیشرفته‌ای که در بستری اجتماعی پرورده شده است، دارای دو نسبت^۴ تاریخی و ملی متمایز و، در عین حال، همبسته است که عبارت‌اند از نسبت‌های انگلیسی و امریکایی. اصطلاح فوق ابتدا در انگلستان و در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به کار رفت (گوریات، ۱۹۷۲)، تا به تفاوت سبک نظریه و پژوهش مورد استفاده در این حوزه با رشته عمومی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تاکید کند. برخلاف پژوهش‌های پیشین (هلسی و دیگران، ۱۹۶۱)، که به طور نظری بر ساختار و کارکرد جامعه و آموزش و پرورش تاکید داشتند (کارکردگرایی ساختاری)، و پژوهش را معادل اندازه‌گیری و تحلیل رابطه بین متغیرهایی مانند متغیرهای خصوصیات فردی می‌پنداشتند، جامعه‌شناسی نو برخاسته از انگلستان اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی بر تفهم یا تفسیر کنش‌های متقابل اجتماعی هر روزه کلاس درس و آن معنای از دانش که مدرسه بر آن تاکید دارد قرار گرفت. معنا، هم به فهم و دریافت^۵ دانش‌آموزان و معلمان درگیر در امر آموزش دلالت دارد و هم به دیدگاهی که برنامه [ریزی] درسی^۶ را بخشی از یک بافت وسیع‌تر اجتماعی یا فرهنگی قلمداد می‌کند. این مطلب به زبان تخصصی رشته‌های دانشگاهی به این معناست که جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به عنوان شاخه‌ای از معرفت باید به عنوان زیر مجموعه‌ای از یک علم اجتماعی دیگر یعنی جامعه‌شناسی معرفتی دیده شود (یانگ، ۱۹۷۱).

از نظر جامعه‌شناسی معرفتی تمام معارف اجتماعی‌اند، به جای دیدن معرفت به عنوان چیزی جدا، مستقل و خارج از زندگی اجتماعی، همان‌طور که

در عین حال، کار اپل بیانگر برداشت امریکایی‌ها از تحولات نو در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش هم محسوب می‌شود و از جمله مواردی است که می‌تواند در این رشته دانشگاهی یا شاخه‌های فرعی آن تاثیر بگذارد.

کلیدواژه: جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی معرفتی

تاریخچه و تعاریف

جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش به جهت‌گیری و تألیفات خاصی دلالت دارد که زیر مجموعه رشته-دانشگاهی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش محسوب می‌شود. رشته‌های دانشگاهی و زیرمجموعه‌ها یا شاخه-های فرعی آنها مثل جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش، در عین حال که محصولاتی عالمانه به شمار می‌روند ولی خارج از چارچوب کلی رشته، تنها به عنوان حاصل تصورات و درک شخصی، شکل نمی‌گیرند. این گروه‌بندی‌های تخصصی یا حوزه‌های معرفتی توسط موجوداتی اجتماعی به نام انسان به وجود آمده‌اند. با این قید که هر یک از آنها به رغم تخصصشان، در فرهنگ‌ها و زمان‌های خاصی زندگی کرده یا می‌کنند.

تخصص‌های دانشگاهی مانند جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش یا، به طور کلی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و یا حتی خود جامعه‌شناسی، دستاورد متخصصانی است که حداقل در دو بستر زندگی می‌کنند: بستر اجتماعی و فرهنگی حرفه تخصصی آنها، بستری که مشتمل است بر همکاری با عقایدی که کمابیش مشابه و موسسه‌ای که در آن کار می‌کنند و بستر وسیع‌تری که شامل فرهنگ و زمان‌های تاریخی آنهاست. جامعه-شناسی جدید آموزش و پرورش می‌تواند محصول هر دو بستر یاد شده باشد یعنی هم بستر تخصصی

4. Reference

5. Understanding

6. Curriculum

اجتماعی با علایق بیشتر مارکسیستی در حوزه‌های طبقه اجتماعی، دولت و اقتصاد سیاسی، در مقایسه با علایق فرهنگی، شده بود را شامل شود تغییر یافت (شارپ و گرین، ۱۹۷۵؛ یانگ و ویتی، ۱۹۷۷؛ شارپ، ۱۹۸۰). جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش در اروپا با نقد اجتماعی، چپ نو و تجدید حیات تفکر مارکسیستی، شناخته شد.

جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش در امریکا، فقط تا حدودی از پیشرفت‌های انگلیسی‌ها تأثیر پذیرفت. یکی از بارزترین این تأثیرات را می‌توان در کارهای مایکل اپل^۷ (۱۹۷۹، ۱۹۷۸) دید که در آنها مستقیماً با رویکردی انگلیسی سروکار دارد. در عین حال، کار اپل بیانگر برداشت امریکایی‌ها از تحولات نو در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش هم محسوب می‌شود و از جمله مواردی است که می‌تواند در این رشته دانشگاهی یا شاخه‌های فرعی آن تأثیر بگذارد. آنچه اپل در بستر محدودتر تخصصی و نه در قلمرو وسیع فرهنگی، اجتماعی توفیق به انجام آن یافت تلاشی بود که برای قابل فهم کردن مفهوم جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش برای صاحب نظران آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان درسی به خرج داد. این شکل‌گیری بیشتر محلی و زمینه‌ای معرفت با تأکید بر علائق جامعه‌شناسی دانش مدرسه یا برنامه درسی^۸ انگلیسی ادامه یافت و نه تنها به گرایش انگلیسی در حوزه جامعه‌شناسی معرفت مدرسه‌ای یا برنامه‌ریزی درسی بلکه به تعریف انعطاف‌پذیرتری از جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش نیز مجوز داده حتی زمینه تعریفی بازتر یا جامع‌تر از آن (جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش) را فراهم ساخت. علمای آموزش و پرورش برخلاف جامعه‌شناسان، برای آگاهی از تاریخ حرفه‌ای یا پارادایم‌های جامعه‌شناسی سستی آموزش و پرورش اجبار کمتری داشتند (وکسلر، ۱۹۷۹).

قبلاً گفتیم، معرفت را به صورت محصول موجودات اجتماعی که با یکدیگر در یک بستر حرفه‌ای، سازمانی، فرهنگی و تاریخی، کار و تعامل دارند باید دید. این بستر بر نحوه تفکر این موجودات اجتماعی و ارائه آن از جمله در قالب نوشتار بسیار مؤثر است. دانشی که در مدرسه مبادله می‌شود، هم در معنای مبادلات معنایی روزمره دانش آموزان با یکدیگر و با معلمانشان و هم در برنامه‌های درسی رسمی یک محصول اجتماعی است که در یک فرآیند اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خلق می‌شود. به این ترتیب، در اینجا با دیدگاهی روبه-روئیم که با دیدگاهی که، مثلاً، برنامه آموزشی خاصی را به عنوان محتوایی عینی در نظر می‌گیرد و به اندازه‌گیری میزان موفقیت هر یک از دانش آموزان در بهره‌برداری از آن می‌پردازد، کاملاً متفاوت است. یعنی با روشی که در گذشته در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش رواج داشته و کماکان ادامه دارد. جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش در انگلستان دارای هر دو خصیلت است، یعنی بر مبنای علاقه‌اش به معناهای کنش‌های متقابل واقع در مدرسه، تفسیری و براساس نگاه اجتماعی‌اش به برنامه درسی مدرسه، به تأثیر از جامعه‌شناسی معرفتی، مبتنی بر موقعیت و زمینه^۹ است. در انگلستان این رویکرد شناختی تفسیری و زمینه-گرا (ادراکی-متنی)، به شدت از کارهای بازیل برنشتاین متأثر است. او علاوه بر تدریس بسیار سودمندش برای دانشجویان دوره عالی موسسه آموزش و پرورش لندن، در پژوهش‌های اولیه‌اش؛ رویکرد کنش متقابل اجتماعی، زبانی و فرهنگی را وارد مطالعه آموزش و پرورش کرد (برنشتاین، ۱۹۵۸، ۱۹۷۵). با این حال، در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، رویکرد شناختی تفسیری و زمینه‌گرا، که معرفت جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش بود برای اینکه بتواند دیدگاه‌های به اصطلاح رادیکال دارای جهت‌گیری سیاسی را که جایگزین درک کارکردی-ساختی اولیه از سازمان‌های بزرگ

7. Contextual

8. Michael Apple

9. Sociology of School Knowledge or curriculum

همان طور که مانهایم^{۱۰} (۱۹۳۶) تشخیص داده است، معرفت به صورت اجتماعی و هنگام وجود جوتعارضات سیاسی و آشوب‌های فرهنگی اجتماعی وقوع می‌یابد. دوره‌هایی مانند اواخر دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰ میلادی در تاریخ امریکا. در آن زمان نه تنها جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش امریکایی (وکسلر، ۱۹۷۶؛ کارابل و هلسی، ۱۹۷۷)، بلکه فرهنگ وسیع عمومی و دانشگاهی نیز به «معرفت عینی»^{۱۱} نوعی بی‌اعتمادی نشان می‌داد. منتقدان و تحلیلگران جامعه با نگاهی نه چندان مطمئن متوجه شده بودند که نه تنها در پس برنامه‌های آموزشی مدارس، بلکه در دپارتمان‌های با سابقه دانشگاهی، حوزه‌ها و رشته‌های علمی نیز منافع سیاسی و اقتصادی نهفته است (بنک برن^{۱۲} جدید آموزش و پرورش برای صاحب^{۱۳}، ۱۹۷۲). معرفت هم از منظر وسیع‌تر فرهنگی و هم از دید متخصصان دانشگاهی به عنوان بخش یا نمودی تحریف شده از منافع گروهی خاص تعریف می‌شد تا به عنوان یک واقعیت «عینی» آینه‌سان. این نوع معرفت با عنوان «ایدئولوژی» باز تعریف شد.

جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش این مفهوم از ایدئولوژی را به قلمرو آموزش و پرورش، به طور اعم، و به حیطه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، به طور اخص، وارد کرد. کار تحلیلی متأثر از این مفهوم غالباً با عنوان «نقد ایدئولوژیکی»^{۱۴} شناخته می‌شود و نشان می‌دهند چگونه منافع گروهی مشخص به عنوان معرفت عمومی و یا حتی «واقعیت» معرفی می‌شوند. ایدئولوژی و در مواردی معرفت مبتنی بر منافع گروهی یک مفهوم کلیدی در کارهای اولیه جامعه‌شناسان جدید است (یانگ، ۱۹۷۱؛ براون، ۱۹۷۳؛ وکسلر، ۱۹۷۶؛ کارابل

نتیجه این امر ظهور آشکار شاخه‌های فرعی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در خارج از بستر نهادی متعارف آن یعنی انگلستان و تخصص‌های خارج از حوزه جامعه‌شناسی بود. جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش متعاقباً از موضع حرفه‌ای مدعی مشروعیت متخصصانی شد که در زمینه جامعه‌شناسی تربیت نشده بودند ولی پیرامون رویکردهای جامعه‌شناختی آموزش و پرورش می‌گفتند و می‌نوشتند. تنها بعد از گذشت زمانی نسبتاً طولانی بود که جریان اصلی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش حاضر به همکاری در تحقیقات و قبول مفاهیم جامعه‌شناسی جدیدی شد که در خارج از مرزهای آکادمیک و تخصصی شکل گرفته بود. این تاریخچه سازمانی بسیار مهم است، نه فقط از آن جهت که ویژگی حرفه‌ای غیرجامعه‌شناسانه جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش فضای باز روشنفکرانه‌ای را موجب شده است، بلکه به آن دلیل که مبین فصلی نو در تاریخ طولانی رقابت‌ها و تفاوت‌های بین متخصصان آموزش و پرورش و جامعه‌شناسانی است که با علائق، مفاهیم و روش‌های تحلیلی متفاوت، روی یک سری پرسش‌های کلی مشترک درباره نقش آموزش و پرورش در جامعه کار کرده‌اند.

جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش به یک سری مفاهیم و دیدگاه‌های خاص اطلاق می‌شود که در عین حال معرفت فرهنگ‌های جامعه یا زمینه‌ای است که از آن برخاسته است: مثل تغییرات اجتماعی وسیع دهه ۱۹۶۰ میلادی (وکسلر، ۱۹۷۶) و پویایی حرفه‌ای متخصصانی که جهت‌گیری خاصی برای تحلیل اجتماعی آموزش و پرورش ابداع کردند (وکسلر، ۱۹۸۷).

مفاهیم و ادای سهم جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش

جامعه‌شناسی معرفتی تنها یک خرده تخصص جامعه‌شناختی کم شهرت نیست، بلکه گرایشی است که وضعیت عمومی‌تر فرهنگ و سیاست را نشان می‌دهد.

- | | |
|-------------------------|------------------------|
| 10. Mannheim | 11. Karabel and Halsey |
| 12. Objective knowledge | 13. Blackburn |
| 14. Ideology Critique | 15. Merit-rewarding |

و هلنی، ۱۹۷۷؛ ایل، ۱۹۷۹؛ شارپ، ۱۹۸۰؛ گیروکس، ۱۹۸۳). چالش با مفهوم رایج معرفت که «ایدئولوژی» مطرح می‌کند با روی گردانی از جامعه‌شناسی سنتی آموزش و پرورش و مطالعات برنامه آموزشی و توجه به جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش تکمیل می‌شود.

دومین چرخش مهم مفاهیم عبارت بود از فاصله گرفتن از درک متعارف آموزش پرورش به عنوان وسیله پیشرفت فردی و یا تحرک اجتماعی و حرکت به سوی تلقی آموزش و پرورش به مثابه عامل بازتولید، تکرار و نگهداری الگوهای به لحاظ اجتماعی ساختارمند نابرابری. آموزش و پرورش نه تنها بر چهره ایدئولوژی مورد نظر گروه‌ها مهر معرفت عینی می‌زند، بلکه این طور می‌نمایاند که باز تولید الگوهای اجتماعی نابرابری براساس تفاوت در موفقیت فردی در مدرسه صورت می‌گیرد.

این استنباط که آموزش و پرورش بخشی از فرآیند بازتولید الگوی نابرابری است از نظریه اجتماعی عمومی اروپایی نشئت گرفت تا نشان دهد چگونه بازتولید اجتماعی - فرهنگی از طریق یک نظام آموزشی ظاهراً فردی مبتنی بر پاداش شایستگی^{۱۶} عمل می‌کند (بوردیو و پارسون، ۱۹۷۷؛ آتوسر، ۱۹۷۱). این جابه‌جایی مفهومی، آموزش و پرورش را کماکان به عنوان محصول یا ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی می‌نگرد تا فرایندی صرفاً فردی، و متعاقباً برای وارد کردن مفهوم «مقاومت» به این حوزه اصلاح شد. اعتقاد به این که دانش آموزان در برابر عملکرد مدرسه به عنوان یک مکانیزم بازتولید فرهنگی و اجتماعی مقاومت می‌کنند، اگرچه در کاربرد اولیه‌اش به این معنا بود که مقاومت به طور غیر عامدانه‌ای بازتولید را تغذیه می‌کند (ویلیس، ۱۹۷۷) ولی متعاقباً عاملی برای آزمون این ایده شد که فرهنگ و جامعه، به سادگی، به طور خودبه‌خودی و بدون آگاهی افرادی که در آن مشارکت دارند خود را بازتولید و سازمان می‌دهند (گیروکس، ۱۹۸۳).

«مقاومت» نه تنها در نگرش جامعه‌شناسی جدید مفهومی بااهمیت بود که به درک اجتماعی همه‌جانبه و

منتقدانه‌ای از آموزش و پرورش در جامعه استحاله یافت، بلکه اهمیت پژوهش تجربی در مدارس و عموماً در میان جوانان را برجسته کرد. مطالعه سبک انگلیسی ویلیس (۱۹۷۷)، حاکی از شروع یک روش یکپارچه پژوهشی بود که تلاش می‌کرد بین مفاهیم عمومی و انتقادی اجتماعی درباره آموزش و پرورش و مطالعات خاص و تفضیلی زندگی روزمره در مدارس ارتباط برقرار کند. این مطالعات تجربی آموزش مدرسه‌ای^{۱۷} نشان می‌دادند چگونه نابرابری اجتماعی و قدرت، در قالب «طبقه اجتماعی»، در شیوه عمل مدارس نهاده شده است و چه پیامدهایی ممکن است برای شیوه عمل نظام آموزش و پرورش داشته باشد (به عنوان نمونه، نک: ایل و وایز، ۱۹۸۳؛ به عنوان تاریخ، نک: وایز، ۱۹۵۵). بعدها این قبیل مطالعات کیفی تجربی آموزش مدرسه‌ای حاصل از شالوده‌های مفهومی ایدئولوژی، باز تولید و مقاومت؛ با عنوان «مردم نگاری انتقادی»^{۱۸} شهرت یافت (آندرسن، ۱۹۸۹). علاقه مشترک (۱) به دانش به عنوان محصولی اجتماعی، (۲) به نقد ایدئولوژیک برنامه درسی و فرهنگ، (۳) به انتساب بازتولید نابرابری الگو یافته به نظام تحرک اجتماعی مبتنی بر پاداش شایستگی، (۴) در به رسمیت شناخته شدن اینکه در برابر کار آموزشی به عنوان فرایندی اجتماعی مولد و ابقا کننده باید مقاومتی در کار باشد و (۵) به تلاش برای نشان دادن تجربی اینکه چگونه این مفاهیم کلیدی یعنی ایدئولوژی، بازتولید و مقاومت می‌توانند در مردم نگاری انتقادی از زندگی روزمره مدرسه معنای بهتری به دست دهند، همه اینها با هم معرف آینده جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش‌اند. در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، این «پارادایم» به گونه‌ای جرح و تعدیل یافت که موجب تغییراتی در وضع جامعه‌شناسی جدید آموزش و

16. Schooling 17. Critical ethnography

18. Decentering of class

رهنمودها

از اصطلاح «جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش» معمولاً کمتر استفاده می‌شود. عدم استفاده معاصران از این اصطلاح تا حدودی حاکی از تثبیت شدن این رهیافت جدید است. مفاهیم و مطالعات پژوهشی که زمانی برچسب‌های پرطمطراق داشتند امروز به صورت تخصص‌های رایج دانشگاهی، مانند جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی درسی درآمده‌اند. همزمان، برخی تعاریف اولیه مربوط به علایق زیر شاخه‌ها دوباره مطرح شده‌اند اما با اصطلاحات و جهت‌گیری‌های متفاوت. برای مثال، تمایل به نقاب برداشتن از نقد ایدئولوژیک به صورت تائیدی بر تفاوت فرهنگی و هویتی گروه‌ها درآمده است. طبقه، نژاد و جنسیت طبقه‌بندی‌های رایجی در نوشته‌ها و تدریس آموزش و پرورش و جامعه هستند. مطالعات فرهنگی به عنوان زیرشاخه‌ای میان رشته‌ای، این تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی را اثبات می‌کند. (مک لارن، ۱۹۹۵). «بازتولید و مقاومت» من بعد اصطلاحات زبانزدی نخواهند بود، هرچند که نگاه به آموزش و پرورش به عنوان موضوعی کاملاً اجتماعی، در درک ضمنی ما از این نهاد جای گرفته است. اصلاحات آموزشی، اگرچه اصطلاح «تعلیم و تربیت انتقادی» را کاملاً پس زده است، در حال حاضر معرف آن حوزه مفهومی است که تضاد منافع سیاسی و اقتصادی را منعکس می‌کند. هرچند اصطلاح «اصل تناظر»^{۲۳} بول و جیتیس^{۲۴} (۱۹۷۶) که مرکزیت تأثیر طبقه اجتماعی در آموزش و پرورش و ارتباط بین کار و تحصیلات را مشخص می‌کند، از اهمیت افتاده است، این مضامین به گونه‌هایی متفاوت و با واژگانی دیگر در مطالعات تجربی آموزش مدرسه‌ای (وکسلر، ۱۹۹۲) و حتی «بعد از پسا‌نوگرایی»^{۲۵} در

پرورش شد. اولاً، جوسپاسی در بستر گسترده‌تر اجتماعی در مقابل دریافت‌های اجتماعی انتقادی «رادیکال»، در هر دو جامعه انگلستان و امریکا، رغبت و علاقه کمتری در مقایسه با زمان اوج جامعه‌شناسی جدید در دهه ۱۹۷۰ میلادی از خود نشان می‌داد. اگر چه این مفاهیم انتقادی ماهیتاً اجتماعی در دوره‌ها و بحث‌های دانشگاهی بر سر زبان‌ها افتاد، ولی دولت مستعجل بود چرا که به یکباره رونق استخدام در دانشگاه‌ها که چند سالی ادامه داشت در کنار فرصت‌های تحرک شغلی و ریسک‌پذیری سیاسی در محیط‌های آکادمیک رو به افول گذاشت (وکسلر، ۱۹۸۷). ثانیاً، بالاگرفتن کار فمینیسم، از یک طرف، و از طرف دیگر، تلاش برای کاستن از بی‌توجهی نسبت به موضوع نژاد در مطالعات اجتماعی آموزش، منجر به چیزی شد که لودویک (۱۹۵۵) از آن به عنوان «از کانون توجه درآوردن طبقه»^{۱۹} یاد می‌کند. نتیجه منجر به تأکید بیشتر بر جنس و نژاد به عنوان سرفصل‌هایی در مردم-نگاری انتقادی و نظریه‌سازی اجتماعی در آموزش و پرورش شد (لوک و گور، ۱۹۹۲؛ مک کارتی و کریچلو، ۱۹۹۳). در همین رابطه، بررسی درباره پیامد عملی جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش که به دست فراموشی سپرده شده بود با تأکید بر جهت‌گیری سیاسی تدریس و برنامه‌ریزی [آموزشی با عنوان «تعلیم و تربیت انتقادی» توسعه یافت (برای مروری انتقادی، نک به گور، ۱۹۹۳). ثالثاً، تحولات جدید در تفکر اجتماعی اروپاییان یعنی دوری آنها از تفکر مارکسیستی و علاقه به نقد ایدئولوژی و متقابلاً روی آوردن به مطالعه فرهنگ به عنوان زبان و نه تحریف سیاسی معرفت، بر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تأثیر گذاشت: در ابتدا به عنوان «پسا ساختار گرایی»^{۲۰} و سپس به نام «پسانوگرایی»^{۲۱} (وکسلر، ۱۹۸۷؛ آرونویتز و گیروکس، ۱۹۹۱). تمام این اتفاقات در زمانی حادث شد که موج جدیدی از تجارت و اصلاحاتی با جهت‌گیری صنفی^{۲۲} شروع به تغییر شکل آموزش امریکایی کرد (میکلسون، کتاب در ست چاپ در زمان نوشتن مقاله).

19. Poststructuralism 20. Postmodernism
 21. Corporate-oriented 22. Correspondence principle
 23. Bowles and Gintis 24. After postmodernism
 25. Multiple

مشکل از جامعه شناسی‌های آموزش و پرورش (پینک و نوبلی، ۱۹۹۵)، بخشی از کشمکش‌های آینده تسری نیافتن شور سیاسی و آرمانی نیرومند است برای دگرگون کردن و رهاسازی جامعه جدید و در آوردن آن به شکل علمی معتدل، باز و منعطف در برابر دگرگونی.

و اما، آنچه بعد از دستیابی به این جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش، به همراه تعدیل‌ها و برگرداندن آن به بافتی پسامدرن باقی می‌ماند شاید تأکید دوباره بر همان شورها و کشش‌ها و به زبانی دیگر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جدیدی است که از لحاظ بافت اجتماعی و دوره تاریخی متفاوت باشد

نظریه اجتماعی و آموزشی حضور موکد دارند (اسمیت و وکسلر، ۱۹۹۵).

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش هم شاید مانند فرهنگ، البته در سطحی وسیع‌تر، شکلی متنوع و «چند جانبه»^{۳۶} به خود گرفته است. امروز مرز روشنی بین جامعه‌شناسی آموزش و پرورش لیبرالی که در گذشته رواج داشت و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جدید و رادیکال وجود ندارد. این به معنای آن نیست که آموزه یا تفکر اجتماعی در باره آموزش و پرورش کمتر سیاسی شده است، بلکه هویت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فردی در دنیای سرشار از چندگانگی، حوزه‌ها و خطوط فکری و عملی همزمان، کمتر قابل تشخیص است (گرگن، ۱۹۹۱). در واقع در حوزه علمی

References

- Althusser, Louis** (1971), *Lenin and Philosophy and Other Essay*. London: New Left Books;
- Anderson, Gary, L.** (1989), "Critical Ethnography in Education: Origins, Gurrent Status and New Directions", *Review of Educational Research* 59 (3): 249-270;
- Apple, Michael W.** (1978), "The New Sociology of Education: Analyzing Cultural and Economic Reproduction" *Harvard Educational Review* 48(1): 495-503;
- _____ (1979), *Idcology and Curriculum*, Boston and London: Routledge & Kegan Paul;
- Apple, Michael W. and Lois Weis, eds**, (1983), *Ideology and Practiee in Schooling*, Philadelphia: Temple University Press;
- Aronowitz, Stanley, and Henry Giroux**, (1991), *Postmodern Education: Politics, Culture, and Social Criticism*, Minneapolis: University of Minnesota Press;
- Bernstein, Basil** (1958), "Some Sociological Determinants of Perception: An Enquiry into Subcultural Differences." *The Birtish Journal Of Sociology* 9(2): 159 _ 172;
- _____ (1975), *Class, Codes, and control: Towards a Theory of Educational Transmission*, London, Rauledge of kegan Paul;
- Blackburn, Robin, ed.** (1972), *Ideology in Social Science: Readings in Critical Social Theory*, New York: Pantheon Books;
- Bourdieu, Pierre, and Jean _ Claude Passeron.** (1977), *Reproduction in Education, Society and Culture*, Beverly Hills, CA: Sage;
- Bowles, Samuel, and Herber Gintis** (1976), *Schooling in Cupitalist, America*, New York: Basic Books;
- Brown, Richard, ed.** (1973), *Knowledge, Education, and Cultural Change*. London: Tavistock;
- Gergen, Kenneth**, (1991), *The Saturated Self: Dilemmas of Identity in contemporary Life*. New York: Basic Books;
- Giroux, Henry** (1983), *Theory and Resistance in Education*, South Hedley, MA: Bergin & Garvey;
- Gorburr, L.** (1972), "The new Sociology of Education" *Education for Teaching* 3-11;

- Gore, Jennifer** (1993), *The struggle For Pedagogies: Critical and Feminist Discourses as Regunes of Truth*, New York: Routledge;
- Halsey, A. H., Jean Floud, and C. Arnold Anderson,** eds. (1961), *Education, Economy, and Society*, New York: Free Press;
- Karabel , Jerome, and A. H. Halsey** (1977), *Power and Ideology in Education*. New York: Oxford University press;
- Ladwig, James, G.** (1995), "The Genesis of Groups in the sociology of School Knowledge, " In William T. Pink and George W. Noblit (eds.), *Continiuity and Contradiction*, pp. 209 _ 229. Greskill, NJ: Hampton Press;
- Luke, Carmen, and Jennifer Gore, eds.** (1992), *Feministis and Critical Pedagogic*, New York: Routledgei;
- Mannheim, Karl** (1936), *Ideology and utopia, An Introduction to the Sociology of Knowledge*, New York: Hareoutt, Brace & World;
- Mc Carrthy, Cameron, and warren Crichlow,** eds. (1993), *Race, Identity and representation in Education*, New York: Routledge;
- Mc Claren, Peter** (1995), *Critical Pedagogy and Predatory Culture: Oppositional Politics in a Postmodern Era*. London: Routledge;
- Mickelson. Roslyn** (2001), "Oppottunity and Danger: Un_ derstanding the Business Conttibution to Public Education, " In Kathryn Borman, Peter Cookson, Alan R. Sadovnik, and Joan Spade (eds.), *Sociological Approaches to Implementing Federal Legislation*, Garland Press;
- Pink, William, and George W. Noblit,** eds. (1995), *Continuity and contradiction: The Futures of the Sociology of Education*, Creskill, NJ: Hampton Press;
- Sharp, Rachel** (1980), *Knowledge, Ideology and the Politics of Schooling: Towards a Marxist Analysis of Education*, Boston: Routledge & Kegan Paul;
- Smith, Richard, and Philip Wexler** (1995), *After Postmodernism: Education, Politics, and Identity*, London: Falmer Press;
- Wers, Lois** (1995), "Qualitative Research in Sociology of Education: Retlections on the 1970s and Beyond," In William T. Pink and George W. Noblit (eds.), *Continuity and contradiction*, pp. 157-173. Creskill, NJ: Hampton Press;
- Wexler, Philip** (1976), *The Sociology of Education: Beyond Ecqualiy*. Indianapolis: Bobbs__ Merrill.
- _____ (1987), *Social Analysis of Education: After the New Sociology*; London: Routledge & Kegan Paul.
- _____ (1992), *Becoming Somebody: Toward a Social Psyology of School*, London: Falmer Press;
- Willis, Paul** (1977), *Learning to Labour: How Working Class Kids Get Working Class Jobs*. Westmead, England: Saxon House;
- Young Michael F.D. ed.** (1971), *Knowledge and Control: New Directions for the Sociology of Education*; London: Collier- Macmillan;
- Youn, Michael F. D., and Geoff Whitty** (1977), *Society, Statc and Schooling*, Sussex, England: Falmer Press. ■